

افسانه پست مدرن

🔗 وقتی از ادبیات

پست مدرنیسم صحبت

می‌کنیم یعنی از ادبیاتی صحبت

می‌کنیم که ساختارهای ادبیات

کلاسیک و مدرن را به هم زده. در

دوره داستان‌های کلاسیک از نظر طرح، ما با یک طرح

کلاسیک روبه‌رو هستیم، یعنی گرگ‌گشایی، گرگ‌افکنی،

زاویه دید، تعلیق که در داستان‌های کلاسیک به بهترین

شکل بیان می‌شود و زمان خطی رویدادهای یکی پس از

دیگری اتفاق می‌افتند. شخصیت پردازی آنها نیز در همان

بستر رخ می‌دهد. بر خلاف داستان‌های کلاسیک، در

داستان‌های مدرن ما با چنین طرحی روبه‌رو نیستیم. در

داستان‌های مدرن با طرحی کاملاً فشرده و کوتاه

مواجهه‌ایم. در این نوع داستان‌ها تکنیک داستان بر پرداخت

صحنه در موقعیتی است که داستان در آن روی می‌دهد

و در داستان‌های پست مدرن اساساً ما با طرحی روبه‌رو

نیستیم و گویی نوعی فروپاشی در طرح داستان روی داده

است به طوری که ظاهراً هیچ انسجام و نظم کلاسیک و

حتی مدرنی در طرح دیده نمی‌شود. برخی از ویژگی‌های

اساسی داستان پست مدرن شامل موارد زیر می‌شود.

۱. از وسط آغاز می‌شود.

۲. زمان حال قطعه‌قطعه و ظاهراً بی‌ربط است.

۳. باید زمان را برگرداند به اول یا باید اتفاق دیگری بیفتد

که خواننده انتظار ندارد.

۴. حداقل کلمه و جمله به کار می‌رود.

۵. کنار گذاشتن قاعده‌های مرسوم در داستان‌نویسی

۶. نظام چند صدایی یا چند روایتی و موازی

۷. حضور فعال نویسنده در داستان

«اوسنه گوهرشاد» اثر سعید تشکری، کتابی است که با

مؤلفه‌های داستان پست مدرن نگاشته شده. از آنجاکه

در داستان‌های ایرانی نمونه‌های داستان پست مدرن

انگشت شمار هستند، پرداختن به یک نمونه داستان

پست مدرن خالی از لطف نیست. خوانندگان آثار سعید

تشکری می‌دانند که یکی از دغدغه‌های او ماجرای کشف

حجاب و حادثه مسجد گوهرشاد است، اما این بار خود

گوهرشاد بانو در داستان حضور پیدا می‌کند. نویسنده

از زمان حال به زمان گذشته می‌رود و گوهرشاد بانو را با

خود به زمان حال می‌آورد، شاید که حضور او این بار تاریخ

را به گونه دیگری رقم بزند.

پیش از این اشاره کردیم که یکی از ویژگی‌های داستان

پست مدرن رخ دادن حوادثی است که مخاطب انتظار

آن را ندارد. سفر در زمان یکی از همین اتفاقات غیرقابل

باور است. به علاوه این که نویسنده در داستان حضور

جدی دارد. نویسنده در فصل‌های مختلف حاضر

می‌شود و با مخاطب کتاب صحبت می‌کند

حتی گاهی اطلاعاتی به او ارائه می‌کند.

روایت‌های موازی و مینی‌مالیسم از دیگر

مشخصه‌های این کتاب است.

سعید تشکری در این کتاب تقریباً

با استفاده از مؤلفه‌های ادبیات

پست مدرن یک نمونه موفق ارائه

داده است. اما این که مخاطب

چقدر با این نوع ادبیات ارتباط برقرار

می‌کند سؤالی است که باید مورد بررسی

قرار بگیرد.

اوسنه گوهرشاد، سعید تشکری، انتشارات به‌نشر 🔗

فاطمه سلیمانی

نویسنده



نویسنده:

گروه نویسندگان

مترجم:

علی اصغر حداد

انتشارات:

ماهی

۴۹۶ صفحه

۶۸۰۰۰ تومان



از صدای سخن عشق

محمد رضا معلمی

شاعر

🔗 پیشنهاد من برای افرادی که به

مطالعه رمان‌های بلند و فاخر علاقه

دارند، اما هنوز صد صفحه نخوانده از

ادامه مطالعه خسته شده و کتاب را به

کتابخانه‌شان برمی‌گردانند، این است

که مسیر خود را از مطالعه داستان‌های کوتاه شروع کنند. بین

خودمان بماند، داستان کوتاه جهانی است بسیار متفاوت‌تر از

جهان رمان و این پیشنهاد هم صرفاً یک پیشنهاد گمراه‌کننده

برای گرفتار کردن علاقه‌مندان به ادبیات، در جهان داستان کوتاه

و سرایت دادن یک جنون شخصی در علاقه به داستان کوتاه به

دیگران است!

اما بعد، مجموعه‌های داستان کوتاهی که در بازار امروز وجود

دارند غالباً دو دسته‌اند: مجموعه‌هایی که تمام یا برخی از آثار یک

نویسنده را گردآوری کرده‌اند و دیگری مجموعه‌هایی که از آثار چند

نویسنده با یک ویژگی مشترک (زبان، نژاد، محل زندگی، سبک،

ژانر و...) تدوین شده‌اند. کتاب «مجموعه نامرئی» که به انتخاب

و ترجمه علی اصغر حداد، مترجم زبردست زبان آلمانی منتشر

شده است، یکی از بهترین کتاب‌هایی است که ذیل دسته دوم

قرار می‌گیرند. این کتاب ۴۵ قصه از ۲۶ نویسنده آلمانی‌زبان از

سه کشور اتریش، آلمان و سوئیس را در خود جای داده است.

آثار نویسندگان بزرگ آلمان از جمله گوته، برتولت برشت، گونتر

گراس و مارتین لوتر تاثیرات بسیار مهمی بر ادبیات مدرن گذاشته

است. از مسائلی که آثار بزرگ ادبیات آلمان به آنها پرداخته‌اند

می‌توان به مسائل دینی، اقتصادی، تغییرات سیاسی و اجتماعی

اشاره کرد. در میان نویسندگانی که این کتاب آثار ایشان را شامل

می‌شود، می‌توان به نام‌های بزرگی همچون توماس مان، هرمان

هسه، آرتور شنیتسلر، برتولت برشت و هاینریش بل اشاره کرد.

حضور نویسندگان گمنام یا کمتر شناخته شده چیزی از کیفیت

کتاب کم نکرده، بلکه گاه آثاری از ایشان به چشم می‌خورد

که موجب حیرت و لذت مضاعف است. این مساله نشان از

تسلط مترجم کتاب به ادبیات زبان مقصد و نشان از حسن

سلیقه اوست. یکی از این موارد، داستان «دیدار نامنتظر» از

یوهان پتر هبل، نویسنده قرن هجدهمی سوئیسی است که

برای علاقه‌مندان به ادبیات در کشور ما چهره شناخته شده‌ای

محسوب نمی‌شود. یوهان پتر هبل سال ۱۷۶۰ در شهر بازل

سوئیس متولد شد و در جوانی به تحصیل الهیات پرداخت. از

جمله آثار او که برایش شهرت و اعتبار به ارمغان آوردند، می‌توان

به «شعرهای گویش مخصوص آلمانی» و «داستان‌های تقویم»

اشاره کرد. او در کتاب داستان‌های تقویم، داستان‌های قدیمی،

گزارش روزنامه‌ها یا حکایات را ادامه داده است. داستان‌های او

در عین سرگرم‌کنندگی، آموزنده هستند. داستانی که از یوهان پتر

هبل در کتاب مجموعه نامرئی انتخاب و ترجمه شده، کوتاه‌ترین

داستانی است که در این کتاب به چشم می‌خورد اما این کوتاهی،

هرگز به معنای سطحی بودن داستان نیست و انگهی در این

داستان مفاهیم عمیقی همچون عشق، مرگ و انتظار، در بطن

یک ماجرای تلخ عاشقانه روایت می‌شود.

این داستان که به عقیده برخی، زیباترین داستان جهان است،

از گفت‌وگوی یک جوان معدن‌کار با معشوقه‌اش آغاز می‌شود؛

گفت‌وگویی سراسر شور و شوق برای پیوند مقدسی که قرار است

به زودی در کلیسا میان آن دو اتفاق بیفتد. غافل از این که دنیا

هیچ‌گاه چشم دیدن وصال هیچ عاشق و معشوقی را نداشته و

دست تقدیر نیز این هیجانات جوانانه را بر نمی‌تابد! حادثه‌ای که

در معدن رخ می‌دهد، جوان را برای همیشه از معشوقش جدا

می‌کند. در ادامه داستان، تماشاگر انتظار معشوقه او هستیم که

سالیان سال بعد، هنگامی که روزهای آخر عمر خود را می‌گذراند

و دیگر کسی جز او در آن شهر کوچک نمانده که عمرش به

یادآوری حادثه معدن قد بدهد، لطف روزگار شامل حالش شده

و معشوقش که زیر تلی از آهک دفن شده را به او برمی‌گرداند.

مواجهه دیرهنگام پیرزن با پیکر عاشق جوان مانده‌اش،

مواجهه‌ای بی‌نظیر و تکان‌دهنده است. داستان همان‌طور که با

قول و قرار میان عاشق و معشوق آغاز شده، با قول و قرار دوباره

و گفت‌وگویی کوتاه میان آن دو به پایان می‌رسد، با این تفاوت

که حالا یکی از آن دو مرده است. روایت بی‌نقص، پایان‌بندی

بی‌نظیر و نگاه ظریف و ریزبینانه نویسنده به مقوله عشق در

این داستان که عشق را حالتی ابدی و نه اتفاقی زودگذر و میرا

می‌داند، دوباره خواننده را برای بازخوانی به سمت خود خواهد

کشاند. «به قول پیرزن: زمین آن‌چه را یک بار بازپس داده است،

بار دیگر دریغ نخواهد کرد.»

شاید ادبیات آلمان به آن اندازه که ادبیات روسیه یا ادبیات

آمریکای جنوبی برای اهالی ادبیات در ایران پرمخاطب هستند،

آشنا و شناخته شده نباشد. می‌توان این کتاب و خلاصه این

داستان را دریچه‌ای بسیار مطمئن برای ورود به ادبیات آلمان

دانست که خواننده از تورق آن، احساس پشیمانی یا اتلاف وقت

نخواهد کرد. 🔗